

تروریسم، توجیه گر تروریسم!

داریوش ارجمندی

روز پنج‌شنبه ۱۳ ماه سپتامبر، ارتش اسرائیل با گسیل تانک‌های خود به شهر اریحا، یکی از شهرهای تحت پوشش دولت خودگردان فلسطین، اقدام به اشغال نظامی این شهر نمود. اما خبر این اشغال نظامی و نقض آشکار حقوق مردم فلسطین، در زیر ویرانه‌های ساختمان تجارت جهانی مدفون گشت و توجهی برنیا نگيخت.

دو هفته پیش، زمانی که ارتش اسرائیل در حرکت مشابهی، به اشغال نظامی بیت‌الجالا اقدام کرد، تقریباً تمامی دولت‌های جهان غرب، یک‌صدا به اعتراض در مقابل این عمل پرداختند. حتی جرج بوش و دولت آمریکا نیز به انتقاد از این عمل اسرائیل برخاست و خواهان ترک فوری نیروهای نظامی این کشور از بیت‌الجالا شد. دولت شارون در مقابل این انتقادات، ادعا کرد که برای حفاظت از ساکنان شهرک یهودی‌نشین واقع در بیت‌الجالا در مقابل حملات نظامی فلسطینی‌ها، راه دیگری به جز اشغال نظامی این شهر نداشته است. اما با این همه، فشار سیاسی بین‌المللی چنان بود که شارون را به عقب‌نشینی از موضع خود واداشت. اما امروز، بی‌آنکه خبری از شلیک گلوله‌های فلسطینی‌ها به سوی یهودیان ساکن اریحا در میان باشد، دولت شارون دستور اشغال نظامی این شهر را صادر نمود و همچنانکه گفته شد، اینبار نه تنها صدای اعتراضی از اتحادیه اروپا و آمریکا بلند نشد، که حتی خبر مربوط به این تجاوز آشکار به حقوق مردم فلسطین و قوانین برسمیت شناخته‌شده جهانی نیز، آنچنانکه باید، در رسانه‌های جهان انعکاس نیافت. دولتی که همین هفته گذشته، دقیقاً بدلیل همین نوع تجاوز به حقوق مردم فلسطین، از سوی جهانیان، دولت آپارتاید نام گرفته بود، دولتی که به دلیل زیرپا گذاشتن قوانین بین‌المللی، و تحت فشار افکار عمومی جهان، حتی از سوی دولت‌های حامی خود نیز مورد نکوش و انتقاد قرار می‌گرفت، امروز با وجدانی آسوده، سیاست راسیستی و نژادپرستانه خود را دنبال می‌کند. و اما در آن سوی این معادله دردناک، مردم فلسطین که تنها یک هفته پیش، امید آنرا یافته بودند که از حاصل و نتیجه مبارزات طولانی خود و یارانشان در جنبش توده‌ای جهانی، بهره‌ای ببرند، امروز بار دیگر خود را قربانی تروریسم دولتی اسرائیل می‌یابند.

در رابطه با انگیزه اسرائیل از اشغال اریحا باید گفت که به اعتراف ناظران سیاسی غربی، این شهر در حال حاضر از اهمیت استراتژیک نظامی و امنیت خاصی برای اسرائیل برخوردار نیست و دولت اسرائیل با اشغال این شهر، هدف مهمتری را دنبال می‌کند. اسرائیل می‌خواهد با این عمل، به مطالعه و سنجش افکار عمومی جهان بپردازد. به بیان دیگر، امروز سیاست‌گذاران اسرائیل از حمله به اریحا، یافتن پاسخ به این پرسش‌ها را دنبال می‌کنند: آیا می‌توان فاجعه روز سه‌شنبه در آمریکا را در خدمت پیشبرد سیاست‌های میل‌تاریستی اسرائیل گرفت؟ آیا تبلیغات رسانه‌های گروهی سرمایه‌داری علیه جنبش فلسطین و مردم خاورمیانه، به اندازه کافی در تخریب افکار عمومی جهان مؤثر بوده است، یا هنوز تجاوز به حقوق مردم فلسطین با اعتراض جهانیان روبرو می‌شود؟ پاسخ به این پرسش‌ها، نه تنها برای اسرائیل، بلکه برای آمریکا، بریتانیا و کشورهای ناتو نیز از اهمیت بالایی برخوردار می‌باشد. هم‌اکنون در کنار پخش دائمی و شبانه‌روزی اخبار مربوط به قربانیان جنایت تروریستی روز سه‌شنبه در نیویورک و واشنگتن، دائماً سخن از انتقام و ریختن خون در چهارسوی جهان می‌شود. هنوز هویت روشن نشده که، حمله به مساجد و مراکز تجمع مسلمانان و عرب‌ها، آغاز شده است. یک هفته پس از پایان کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی، رسانه‌های گروهی جهان سرمایه، بطور شبانه‌روزی، به ترویج سیستماتیک نفرت علیه مردمان خاورمیانه مشغولند.

به این دلیل، حرکت دیروز اسرائیل را باید زنگ خطر و هشدار به تمامی انسانها و نیروهای آزاده جهان به حساب آورد. چنانچه در مقابل تجاوزات دولت اسرائیل، اعتراضی نشود، بزودی شاهد گسترده‌تر شدن بیش‌ازپیش جنایات اسرائیل خواهیم

بود. جنبش عدالت خواهی و برابری طلبی جهانی می بایست بی درنگ به مقابله با سیاست جدید نظام سرمایه داری برخیزد، در مقابل فریاد انتقام جویی و خون خواهی آمریکا، باید اعلام کرد که با تروریسم نمی توان به مقابله با تروریسم پرداخت. به عبارت دیگر، تروریسم و کشتار دسته جمعی شهروندان آمریکایی محکوم است، اما همزمان نمی توان خون این انسانهای بی گناه را مستمسکی برای ترویج نفرت نژادی قرار داد و از آن توجیهی ساخت برای گسترش اختناق در سطح جهان و ایجاد دولت پلیسی بین المللی.